

بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد جیرفت)

تاریخ دریافت: ۸۵/۱۲/۱

تاریخ پذیرش: ۸۶/۵/۳

دکتر سعیده کرویسی

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان

دکتر جلال میرزایی

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

احسان شاهرخی

کارشناس علوم اجتماعی

چکیده

امنیت به مفهوم رهایی از ترس و خطر و احساس دوری از هر گونه تعهد؛ یکی از نیازهای اصلی و اساسی انسان‌ها از آغاز زندگی بوده است. امنیت به این معنا پیوند عمیقی با ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد. بنا براین، احساس امنیت تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل می‌گیرد که یکی از این عوامل، سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی از مؤلفه‌های متعددی تشکیل شده که اعتماد اجتماعی، یکی از تأثیرگذارترین آن‌ها بر ارتقا یا کاهش میزان امنیت اجتماعی در هر جامعه شناخته شده است. این پژوهش پیمایشی کوشیده است تا تأثیر شاخص‌های اعتماد اجتماعی بر احساس امنیت در میان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت را بررسی کند. در ابتدا نظریات ارائه شده در ارتباط بین اعتماد اجتماعی و امنیت جمع‌بندی شده و سپس چهارچوب نظری تحقیق براساس مدل‌های به‌دست آمده تبیین شده است. یافته‌های این تحقیق از یک نمونه ۸۸ نفری از بین دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی شهرستان جیرفت در سال ۱۳۸۵ به روش تکمیل پرسشنامه حاصل شده و تحت آزمون‌های مختلف قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها

اعتماد اجتماعی (Social Trust)، امنیت عمومی (Public Security)، دانشجویان دختر (Students) (Jiroft Female).

مقدمه

مفهوم امنیت، مصنوعیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است. امنیت در مورد افراد به این معناست که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته به هیچ‌وجه حقوق ایشان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آن‌ها را تهدید نکند. لزوم و ضرورت امنیت در جامعه به این مفهوم، از طبیعت حقوق بشری ناشی می‌گردد و لازمه حقوق و آزادی‌های مشروع، مصنوعیت آن‌ها از تعرض و دورماندن از مخاطرات و تعدیات امنیت است. مخاطره شامل هر نوع عوامل احتمالی است که منجر به نقض حقوق مشروع افراد می‌شود. در واقع امنیت عبارت است از: «جلوگیری از نقض و تعرض بالفعل. گاهی اوقات نیز امنیت در برابر احساس وحشت و خوف و خطر مطرح می‌شود. قرآن کریم احساس امنیت را از ویژگی‌های مؤمنان برمی‌شمارد» (سوره قلم، آیه ۹) همچنان‌که شهری که در آن امنیت باشد، از مثل و الگوهای قرآنی است (نخل، آیه ۱۱۲).

توجه به امنیت که در آن اعضای جامعه بشری، حریم خود را از هرگونه تعرض و تهدیدی مصون بدانند، خواسته دیرپای بشر است. در جامعه پیچیده کنونی هر روز امکان مخدوش شدن حریم امنیت اشخاص به وسیله عوامل مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وجود دارد. به‌طور روزمره حریم امنیت روانی و اجتماعی انسان در معرض آسیب قرار می‌گیرد. از این رو، تحقیق درخصوص احساس امنیت در جامعه، انواع امنیت و عوامل مؤثر بر میزان احساس امنیت، ضروری می‌نماید.

بیان مسئله

اعتماد اجتماعی و امنیت اجتماعی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. اعتماد، یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی است. در صورت وجود اعتماد میان افراد و اجتماعات، روابط میان اعضای خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران و به‌طور کلی اعضای جامعه، روابطی مؤثرتر خواهد بود. در حالی که عدم وجود اعتماد با رفتارهایی چون اعمال خشونت، جرم و ... همراه است. ویژه شرط اساسی ایجاد یک جامعه سالم را اعتماد اجتماعی متقابل بین اعضا، مردم و مسئولان می‌داند (بهزاد، ۱۳۸۴). اعتماد در کلیه کنش‌های انسان، به‌خصوص در کنش‌هایی که جهت‌گیری معطوف به آینده دارند، نمود پیدا می‌کند. به عقیده کلمن اعتماد «قدرت، عمل کردن را تسهیل می‌کند» (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۹۷).

در سراسر مبادلات و روابط اجتماعی، اعتماد همچون روان کننده‌ای چرخ‌های کنش اجتماعی را راحت‌تر به حرکت درمی‌آورد. بر این مبنا می‌توان گفت چون اعتماد، تسهیل‌گر تعاملات اجتماعی است، پس عامل مهمی در تعیین نظم اجتماعی نیز می‌باشد. فوکویاما از اعتماد اجتماعی به عنوان عاملی در جهت رشد و ثبات اقتصادی جامعه نام می‌برد. از نظر زتومکا، اعتماد به معنای انتظار عمل صادقانه از دیگران نسبت به خود داشتن است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳).

امنیت و احساس امنیت را چه مفهومی سیاسی و حکومتی تلقی کنیم و چه آن را به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی و در معنایی عام در نظر بگیریم که همه افراد جامعه در ساخت و حفظ آن مشارکت دارند، با مفهوم اعتماد مرتبط است. از آنجا که اعتماد، پیش شرط هر تعامل اجتماعی مؤثر محسوب می‌شود و می‌تواند تعامل را از فرو غلطیدن در چاه رفتار نابه‌نجار باز دارد، باعث پیدایش آرامش و امنیت روانی می‌شود در چنین شرایطی اعضای جامعه برای حرکت موفقیت‌آمیز اقتصادی، توسعه سیاسی و مشارکت اجتماعی با احساس امنیت شروع به فعالیت می‌کنند. اعتماد بین شخص، امنیت را در محدوده کوچکی فراهم می‌کند، در حالی که اعتماد عام یا تعمیم یافته می‌تواند احساس امنیت عمومی‌تری را ایجاد نماید تا اعضای جامعه در کلیه تعاملات اجتماعی خود با سازمان‌ها، دولت، نیروی انتظامی، نهادهای اقتصادی و سایر اعضای جامعه احساس امنیت و آرامش بکنند.

اعتماد بین شخصی یا اعتماد در سطح خرد به اعتماد درون گروه‌های محدودی مانند خانواده، گروه قومی و محلی اشاره دارد. در حالی که اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته به اعتماد به افرادی که با آن‌ها روابط رودررو نداریم، برمی‌گردد.

با این رویکرد، امنیت اجتماعی متغیر وابسته‌ای است که تحت تأثیر اعتماد بین شخصی و اعتماد عام در کلیه تعاملات اجتماعی در محیط‌های زیست انسان امکان نمود می‌یابد.

تعریف مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

۱- تعریف امنیت اجتماعی

مفهوم امنیت مانند سایر مفاهیم اساسی و رایج در علوم انسانی نظیر صلح، عدالت و آزادی در معرض تفسیرها و تعبیرهای گوناگونی قرار دارد. تعاریف لغوی امنیت در فرهنگ‌های لغت عبارت‌اند از: در امان بودن، آرامش و آسودگی، حفاظت در مقابل خطر، احساس آزادی از ترس، احساس ایمنی و رهایی از تهدید. ریشه امنیت در لغت از استیمان و ایمان و ایمنی و به مفهوم آرامش در برابر ترس، رعب و نگرانی است.

امنیت یعنی در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. امنیت همچنین عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستمر (میرعرب، ۱۳۷۹: ۱۳۳).

ریشه لاتین امنیت واژه *securus* می‌باشد که در لغت به معنای نداشتن دله‌ره و دغدغه است. انسان در زندگی خود باید پاسخگوی مجموعه‌ای از نیازها باشد. این نیازها، همان‌گونه که مازلو می‌گوید، حالت کاملاً سلسله مراتبی دارند؛ یعنی پس از نیازهای فیزیولوژیک در قاعده هرم، نیاز به امنیت قرار دارد و پس از آن سایر نیازها.

امنیت دارای ابعاد عینی و ذهنی - روانی است؛ به عبارت دیگر امنیت هم شامل اطمینان و آرامش فیزیکی و هم آرامش روحی و روانی است (سرلک‌زایی، ۱۳۸۵: ۱۳۶).

۲- دسته‌بندی نظریات موجود

امنیت سطوح متعددی دارد که مهم‌ترین آن امنیت در سطح خرد و امنیت در سطح کلان است. امنیت در سطح خرد شامل فرد و گروه‌های اجتماعی است، در حالی که امنیت در سطح کلان شامل دولت و نهادهای فزاینده می‌باشد. امنیت انواع مختلفی دارد. امنیت عمومی یا فعالیتی حکومتی، که هدفش استقرار امنیت در کشور است و این فعالیت‌ها متضمن فعالیت‌های اجتماعی و مدنی می‌باشد. امنیت سیاسی که به معنای مصون بودن و حالت فراغت مردم از تهدید یا اقدامات خلاف قانون شخص، گروه و یا دولت است (سرلک‌زایی، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

از آنجا که این پژوهش بر مفهوم امنیت اجتماعی بیش از سایر مفاهیم تأکید ورزیده، به تعاریف موجود در باب امنیت اجتماعی می‌پردازیم. دسته اول تعاریفی هستند که بر تهدید هویت جمعی تأکید می‌کنند. ویور، امنیت اجتماعی را توانمندی جامعه برای مراقبت از خصوصیات و ویژگی‌های بنیادین خود در شرایط تغییر و تهدیدات عینی تعریف کرده است. ویور همچنین امنیت اجتماعی را با نیاز به حفظ هویت در ارتباط می‌داند. هویت عبارت است از آنچه که موجب شناسایی شخص باشد (ترابی و گودرزی، ۱۳۸۲: ۳۷۶).

بوزان امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع می‌دهد که بر مبنای آن افراد خود را عضو یک گروه خاص اجتماعی تلقی نموده‌اند؛ به عبارت دیگر امنیت اجتماعی معطوف به جنبه‌هایی از زندگی شخص است که هویت او را تضمین می‌کند (همان منبع: ۳۷۸). از دیدگاه بوزان امنیت اجتماعی عبارت است از: توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی، جنسی و ... در حفظ هستی و هویت خود (کلاهیچیان، ۱۳۸۲: ۱۳۸). در واقع بوزان و ویور امنیت را حالت فراغت از تهدید هویت جمعی و گروهی تلقی می‌کنند.

دسته دوم تعاریف، امنیت را به عنوان فقدان هراس از ویرانی و تهدید ارزش‌های جامعه می‌دانند. اگر امنیت اجتماعی را شامل تمهیداتی برای حفظ زندگی اعضای جامعه و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان بدانیم، بنابراین می‌توان امنیت اجتماعی را رفع تهدید از عنصر اتصال دهنده اعضای جامعه به یکدیگر در نظر گرفت (همان منبع: ۱۳۹).

این تعریف شامل چند عنصر است:

الف- امنیت، حاصل فضای اجتماعی است.

ب- این فضای اجتماعی سطح کلان یا دولت به معنای عام را دربرنمی‌گیرد.

ج- امنیت اجتماعی تنها به سطح امنیت فرد محدود نمی‌شود.

د- امنیت اجتماعی بر مجموعه‌ای از افراد تأکید می‌ورزد که عنصر یا عناصری ویژه مانند جنسیت، قومیت، مذهب و ... آن‌ها را به هم مرتبط می‌سازد.

ه- زمانی که ارزش‌های اتصال دهنده افراد تهدید گردد، امنیت متزلزل می‌شود.

دسته سوم تعاریف از امنیت اجتماعی بر فراغت جمعی از تهدیدی که عمل غیرقانونی دولت یا دستگاه یا فرد و یا گروهی که در تمام یا قسمتی از جامعه به وجود آورده است، تأکید می‌ورزد (امیری، ۱۳۸۲: ۳۱۵).

۳- شاخص‌های امنیت اجتماعی

در این پژوهش امنیت معادل فقدان تهدید هویت گروهی (گروه جنسی)، ارزشی و اعمال غیرقانونی در نظر گرفته شده است. در واقع با توجه به تعاریف ارائه شده از امنیت اجتماعی شاخص‌های عمده آن عبارت‌اند از: الف- فقدان تهدید هویت جمعی؛ ب- عدم تهدید ارزش‌های مشترک.

البته تهدیدات رایجی که کمابیش در همه جوامع دیده می‌شود و زمینه عدم امنیت اجتماعی را پدید می‌آورد، بسیاریند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: تهدیدات جسمی (صدمه یا مرگ بر اثر تعرض دیگران)، تهدیدات اقتصادی (سرقت یا تخریب اموال یا عدم اشتغال)، تهدیدات موقعیتی (بیکاری)، تهدیدات اجتماعی (بی‌آبرویی و تعرض به ارزش‌های اخلاقی) و تهدیدات فرهنگی (تضعیف الگوهای رفتاری). اما به‌طور خلاصه می‌توان امنیت اجتماعی را به معنای حالت فراغت همگانی از ترس و اضطراب، مصونیت جان، مال، آبرو، ناموس و شغل شهروندان از هرگونه تهدید و تعرض تعریف کرد؛ اگرچه آن را با توجه به گروه‌های مختلف اجتماعی همچون گروه‌های قومی، سنی، جنسی، شغلی، مذهبی و ... تعریف و بررسی می‌کنند.

در اینجا باید به تفاوت امنیت و احساس امنیت اشاره کرد. ممکن است در جامعه‌ای امنیت از نظر انتظامی و پلیسی وجود داشته باشد، ولی فرد احساس امنیت نکند. در واقع احساس امنیت تلفیقی از عوامل فردی، روانی و اجتماعی تلقی می‌شود. امنیت، بعد عینی مسئله و احساس امنیت به عنوان بعد ذهنی تلقی می‌شود. احساس عدم امنیت به دلایل متعدد پدید می‌آید. یکی از دلایل مهم احساس ناامنی، ممکن است به خاطر موقعیت و وضعیت خاص حاکم بر یک جامعه باشد و فرد به خاطر پاره‌ای از عوامل محل امنیت در جامعه احساس ناامنی بکند. احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم وجود امنیت در آن جامعه ناشی می‌گردد و هرچه میزان فراوانی جرم بالاتر باشد، احساس امنیت در آن جامعه پایین‌تر است. اما گاهی این احساس عدم امنیت ممکن است ریشه روانی و فردی داشته باشد نه اجتماعی (کلاهیچیان، ۱۳۸۲: ۱۳۴).

احساس امنیت به احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر اطلاق می‌شود. در واقع زمانی که فرد احساس کند در جامعه و تعاملات اجتماعی خطری جان، مال یا سلامتی وی را مورد تهدید و تعرض قرار نمی‌دهد، می‌توان گفت فرد دارای احساس امنیت است. این احساس امنیت از طریق اعتماد به ارگان‌های تأمین‌کننده امنیت، دولت، مدرسه، نظام اقتصادی، خانواده، شبکه دوستان و ... تأمین می‌شود. بنابراین درجه اعتمادورزی فرد به دیگران مشخصه مناسبی برای تعیین درجه احساس امنیت وی تلقی می‌گردد.

احساس امنیت به‌عنوان یک متغیر اجتماعی می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعدد اجتماعی و فردی قرار گیرد. از جمله عواملی که بر احساس امنیت اجتماعی در یک

جامعه تأثیر می‌گذارند، می‌توان به نابرابری اجتماعی، میزان سرمایه اجتماعی در دسترس، مشارکت، پایداری به ارزش‌های مشترک، اعتماد اجتماعی و عوامل زمینه‌ای مثل جنسیت، سن، نوع خانواده و ... اشاره کرد (میری آشتیانی، ۱۳۸۳).

۴- اعتماد اجتماعی و شاخص‌های آن

یکی از متغیرهای اساسی تأثیرگذار بر احساس امنیت، سرمایه اجتماعی و جزء اصلی آن یعنی اعتماد است. اعتماد، مهم‌ترین عامل در پارادایم نظم تلقی می‌شود و در اندیشه‌های دورکیم و تونیس نقش محوری را به عهده دارد (آزاد ارمکی و کمالی، ۱۳۸۳). اعتماد اجتماعی در سطوح خرد و کلان می‌تواند زمینه ایجاد احساسات مثبت و منفی را در فرد نمایان کند. اعتماد اجتماعی با توجه به دو رهیافت روان شناختی و جامعه شناختی، قابل بررسی است. رهیافت روان شناختی، اعتماد را به عنوان ویژگی فردی مطرح می‌کند و بر نقش احساسات و عواطف فردی، تأکید می‌ورزد. رهیافت جامعه‌شناختی، اعتماد را به عنوان ویژگی روابط اجتماعی یا نظام اجتماعی در نظر می‌گیرد. بر این دو دیدگاه، دیدگاه ترکیبی است.

این دیدگاه سعی دارد به جای تأکید صرف بر عوامل روانی یا عوامل اجتماعی، مجموعه این عوامل را در نظر بگیرد. اعتماد به عنوان بعدی از ساخت اجتماعی نمی‌تواند منحصراً در سطح روان‌شناختی یا نهادی مطالعه شود. بلکه برای درک آن ویژگی‌های روان‌شناختی نهادی باید به‌طور همزمان مورد توجه قرار بگیرد (امیرکافی، ۱۳۸۰).

توضیح نظریه گیدنز به دلیل توجه به تلفیق سطوح خرد و کلان (ناشی از نظریه ساختاربندی وی) در اینجا مناسب به نظر می‌رسد. در نظریه گیدنز مفهوم محوری، مفهوم مخاطره است. تعاریف گیدنز از اعتماد و بی‌اعتمادی درباره مفهوم مخاطره شکل گرفته است. اعتماد در دیدگاه گیدنز نه کیفیتی کلی و وجهی از همبستگی اجتماعی، بلکه شیوه ضروری و اجتناب‌ناپذیر حیات اجتماعی به شمار می‌رود. کانون اصلی اعتماد در تمامی انواع آن، استمرار رفتار و زندگی و سپس قابلیت پیش‌بینی آن می‌باشد (آزاد ارمکی و کمالی، ۱۳۸۳). انواع اعتماد از دیدگاه گیدنز ترکیبی از عوامل جامعه‌شناختی است. در بحث از اعتماد بنیادین Basic trust ریشه اعتماد را در اطمینان به اشخاص صالح و معتبر مربوط می‌داند که معمولاً از نخستین تجربیات کودک حاصل می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۷: ۶۴). اساس این مفهوم از نظریه اریکسون گرفته شده است. اعتماد بنیادین، اضطراب را کاهش داده و نوعی احساس تداوم و نظم در رویدادها (حتی آن‌ها که به‌طور مستقیم در حوزه ادراک اشخاص قرار نمی‌گیرد) را در ذهن فرد تداعی می‌کند (همان، ۳۲۳).

با در نظر گرفتن ارتباط دو سطح فرد و نظام، سه شکل اصلی اعتماد قابل تشخیص است:

الف- اعتماد بنیادین: این نوع از اعتماد به نگرش فرد نسبت به خود و دنیای اطرافش و

ارتباط او با دنیای پیرامون، مرتبط است. استمرار، ثبات و نظم اجزای اصلی اعتماد بنیادین است.

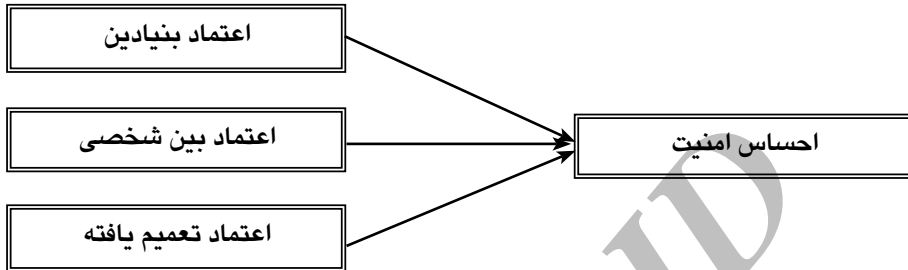
ب- **اعتماد بین شخصی:** اعتماد بین شخصی در روابط چهره به چهره، خود را نشان می‌دهد. این شکل از ارتباط موانع ارتباطی را مرتفع می‌سازد و با کاستن از حالت دفاعی، باعث مؤثرتر شدن تعاملات می‌گردد.

ج- **اعتماد عام یا تعمیم یافته:** این نوع از اعتماد را می‌توان حسن ظن داشتن نسبت به افراد جامعه جدای از تعلق آن‌ها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف کرد. بنابراین اعتماد مزبور تنها به روابط چهره به چهره محدود نمی‌شود. این نوع از اعتماد مرزهای خانوادگی، همسایگی، محلی و قومیتی را زیرپا می‌گذارد (امیرکافی، ۱۳۸۰).

گیدنز معتقد است در جوامع جدید و فاصله‌گیری زمانی، مکانی که ویژگی این نوع جوامع است؛ اعتماد بسیار مهم است. نیاز به اعتماد با این فاصله‌گیری ارتباط دارد. دیگر نیاز نداریم به کسانی اعتماد کنیم که پیوسته در معرض دیدمان هستند و فعالیت‌هایشان را مستقیماً می‌توان بازنگری کرد (گیدنز، ۱۳۷۷).

از دیدگاه چلبی اعتماد ریشه در وابستگی عاطفی دارد. به اعتقاد او هرگاه عواطف مثبت، امکان رشد داشته باشند و بتوانند بین افراد جریان پیدا کنند، اعتماد، ایجاد و تقویت می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵). از این منظر روابط بیانی بیش از روابط ابزاری توانایی ایجاد و برقراری تداوم اعتماد متقابل را دارند. روابط بیانی مبتنی بر عاطفه، دوستی و صمیمیت است در حالی که روابط ابزار مبتنی بر روابط رسمی و سازمانی می‌باشد و عواطف و صمیمیت کمتر در آن جای می‌یابد. بنابراین، روابط بیانی می‌تواند بستر مناسب‌تری برای شکل‌گیری اعتماد باشد. براین اساس گروه‌های نخستین، بهترین فرصت را برای پیدایش اعتماد پدید می‌آورند؛ زیرا مملو از روابط بیانی هستند. از دیدگاه چلبی در جامعه جدید، امکانات بالقوه‌ای وجود دارد که می‌تواند روابط بیانی و ابزاری را با یکدیگر ترکیب کند. این ترکیب در مفهوم «اجتماع جامعه‌ای» تجلی می‌یابد. در چنین شرایطی امکان برقراری اعتماد متقابل در سطوحی فراتر از گروه نخستین (خانواده، دوستان، هم‌محله‌ای و ...) فراهم می‌شود. اصلاً امنیت اجتماعی وضعیتی است که به محیط زیست اجتماعی کنشگران مربوط می‌شود. کنشگران دارای سطوحی هستند. بازیگران سطح کلان دولت‌ها می‌باشند، کنشگران سطح میانی عبارت‌اند از: احزاب و سازمان‌های ملی و بین‌المللی. کنشگران خرد همان افراد هستند. امنیت در فضای تعاملی این کنشگران معنا می‌یابد. کنشگران در کلیه سطوح با مجموعه‌ای از منافع و انتظارات وارد عرصه تعامل می‌شوند. همچنان که در نظریه‌های مربوط به اعتماد بیان شد، اگر اعتماد بین شخصی یا اعتماد تعمیم یافته بین این کنشگران وجود نداشته باشد، تعامل به میزان کمی کاهش پیدا می‌کند. در چنین وضعیتی احساس عدم امنیت اجتماعی چهره می‌نماید.

شکل : تأثیر انواع اعتماد بر احساس امنیت



وجود اعتماد در سطح بین شخصی و اعتماد تعمیم یافته، در تعاملات چهره به چهره و سایر تعاملات اجتماعی، فضایی را پدید می‌آورد که فرد می‌تواند با آسودگی خاطر و احساس امنیت شروع به فعالیت نماید. در واقع فقدان اعتماد بین اعضای جامعه، نظم اجتماعی موجود را مختل می‌کند و مانع از جریان صحیح کنش‌های اجتماعی می‌شود. در چنین فضای اجتماعی فرد احساس خطر، ناامنی، ترس و وحشت می‌کند و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی فضایی ناامن برای فرد به وجود می‌آورد.

هدف و ضرورت پژوهش

هدف این پژوهش بررسی احساس امنیت اجتماعی در بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد جیرفت می‌باشد. با هدف تعیین عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در این پژوهش به بررسی میزان اعتماد اجتماعی و تأثیر آن بر شکل‌گیری احساس امنیت اجتماعی پرداخته شده است. از آنجا که احساس امنیت اجتماعی، احساس مبتنی بر ویژگی‌های فردی و اجتماعی به صورت توأمان می‌باشد و قطعاً موقعیت فرد به لحاظ ویژگی‌های زمینه‌ای در میزان احساس امنیت او اثر می‌گذارد، در این تحقیق ویژگی‌های زمینه‌ای و ارتباط آن با احساس امنیت اجتماعی هم بررسی شده است.

احساس امنیت یکی از نیازهای اساسی تلقی می‌گردد. همان‌گونه که مازلو اشاره می‌کند، نیاز به امنیت در رتبه دوم نیازهای ضروری قرار دارد. بنابراین اگر این نیاز در سطوح مختلف بنا به عللی پاسخ مثبت دریافت نکند، فرد را دچار تنش و اضطراب می‌کند. از این رو، باید احساس امنیت اجتماعی به صورت علمی و دقیق در جامعه بررسی گردد. همچنین باید مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری احساس امنیت یا عدم امنیت اجتماعی مطالعه شود. طی سال‌های اخیر شهر جیرفت به واسطه تأسیس دانشگاه، پذیرای افراد بومی و غیربومی به عنوان دانشجوی بوده که بخش قابل توجهی از آن دانشجویان دختر می‌باشند. از سوی دیگر در همین سال‌ها اخبار منتشر شده در جراید حاکی از حوادثی است که باعث نگرش منفی نسبت به سطح امنیت در منطقه کرمان، خصوصاً در شهرستان‌های جیرفت و کهنوج شده است. اخباری که در مورد

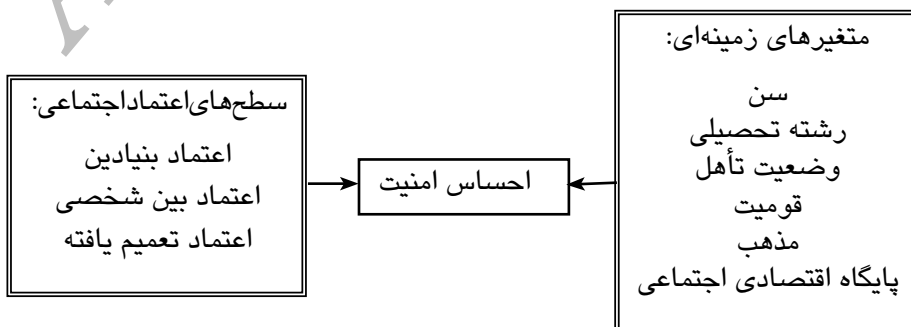
قتل دختران دانشجوی منتشر شد، این وضعیت را تشدید کرد (فردوس کویر، ۱۳۸۳ : ۲۹۸ و ۲۶۶ و ۲۶۵). از این رو، با توجه به شرایط این شهرستان انجام چنین پژوهشی لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

روش پژوهش

این مطالعه حاصل یک پژوهش پیمایشی - مقطعی است که در سال ۱۳۸۵ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان جیرفت انجام شد. از بین دانشجویان دختر این دانشکده با توجه به رشته‌های مختلف تحصیلی آن‌ها، (ادبیات فارسی، ادبیات عرب، الهیات، معارف اسلامی و علوم قضایی) ۸۸ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. اطلاعات مورد نظر از طریق پرسشنامه پژوهشگر ساخته جمع آوری شد. این پرسشنامه شامل سه بخش است: بخش اول شامل پرسش‌های زمینه‌ای، بخش دوم حاوی پرسش‌هایی در خصوص احساس امنیت و بخش سوم شامل پرسش‌های مربوط به اعتماد اجتماعی. نتایج تحقیق با استفاده از نرم افزار آماری «۱» S.P.S.S. مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش از آمار توصیفی به منظور توصیف متغیرهای مورد نظر و از آمار تحلیلی برای تبیین و آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده شد.

اعتماد بنیادین در این پژوهش با شاخص‌هایی نظیر اعتماد به نفس، احترام به خود و دیگران سنجیده شد. اعتماد بین شخص، شکل‌گیری از اعتماد است که در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد. این شکل از اعتماد موانع ارتباطی را کنار می‌زند و باعث مؤثرتر شدن تعاملات اجتماعی می‌شود. در این پژوهش اعتماد بین شخصی با شاخص‌هایی چون اعتماد به هم محلی، هم‌شهری، همسایه، خانواده، خویشاوندان، دوستان، همکلاسی‌ها و پسران به سنجش درآمد. در این تحقیق اعتماد تعمیم یافته (حسن ظن داشتن نسبت به افراد جامعه جدای از تعلق آن‌ها به گروه‌های خاص) با شاخص‌های اعتماد به احزاب، اصناف، استادان، کارکنان دانشگاه، سلف سرویس، رانندگان تاکسی، نیروی انتظامی و دولت مورد بررسی قرار گرفت.

مدل تحلیلی و فرضیه‌های تحقیق



- ۱- بین میزان اعتماد بنیادین و احساس امنیت رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان اعتماد بین شخصی و احساس امنیت رابطه وجود دارد.
- ۳- بین میزان اعتماد تعمیم یافته و احساس امنیت رابطه وجود دارد.
- ۴- بین متغیرهای زمینه‌ای و احساس امنیت رابطه وجود دارد.

یافته‌های پژوهش

دانشجویان مورد مطالعه، در پنج رشته مختلف دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان جیرفت تحصیل می‌کردند. میانگین سنی دانشجویان ۲۱/۹۳ سال بود. تنها ۲۲/۷ درصد پاسخگویان متأهل و همگی آن‌ها شیعه بودند. ۹۴ درصد پاسخگویان فارس و بقیه از قومیت‌های بلوچ، لر و عرب بودند.

۴۴/۵ درصد از پدران پاسخگویان، شغل آزاد داشتند. ۱۴/۸ درصد از مادران پاسخگویان، شاغل بودند. به‌طور متوسط خانواده‌های پاسخگویان بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان در ماه درآمد داشتند.

۴۲/۱ درصد پاسخگویان از نظر احساس امنیت اجتماعی، نمره متوسط و ۳۰/۷ درصد نمره کم گرفتند یعنی ۷۳/۸ درصد آن‌ها احساس امنیت اجتماعی در حد متوسط و کم داشتند. از نظر امنیت بهداشتی ۴۳/۳ درصد پاسخگویان نمره متوسط کسب کردند. از نظر امنیت اقتصادی نزدیک به دو سوم پاسخگویان (۶۳/۵ درصد) در سطح متوسط و پایین قرار داشتند. در حالی که از نظر احساس امنیت طبیعی ۷۷/۳ درصد اعلام احساس امنیت کم کرده بودند، از نظر ۸۷/۵ درصد پاسخگویان امنیت فیزیکی در سطح پایینی قرار دارد. ۶۵/۸ درصد پاسخگویان از نظر اعتماد بین شخصی در حد متوسط و بالاتر بودند، در حالی که ۴۲/۳ درصد پاسخگویان از نظر اعتماد تعمیم یافته در سطح بالاتر از متوسط قرار گرفتند.

جدول شماره ۱- رابطه بین احساس امنیت و انواع اعتماد

متغیر	ضریب r	سطح معناداری
اعتماد بنیادین	۰/۱۸۴	۰/۴۳۵
اعتماد بین شخصی	۰/۳۸۴	۰/۰۰۴
اعتماد تعمیم یافته	۰/۲۸۱	۰/۳۹۷

با توجه به جدول شماره یک می‌توان نتیجه گرفت که میزان احساس امنیت اجتماعی در جمعیت مورد مطالعه، فقط با یکی از انواع سه گانه اعتماد ارتباط معنادار آماری دارد. با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده برای ضرایب سه‌گانه پیرسون مشاهده

می‌شود که فقط اعتماد بین شخصی با احساس امنیت اجتماعی ارتباط معنی‌دار دارد. ($r=0/384$ و $\alpha=0/004$).

جدول شماره ۲- رابطه بین احساس امنیت و برخی متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	درجه آزادی	مجموع	میانگین مجزورات	F محاسبه شده	سطح معناداری
رشته تحصیلی	۶	۹۵۵/۱۸	۱۵۹/۱۹	۱/۰۲	۰/۴۱۷
وضعیت تأهل	۱	۷۲/۴۱	۷۲/۴۱	۰/۴۶۱	۰/۴۹۹
قومیت	۳	۲۱۰۱/۵۷	۷۰۰/۵۲	۵/۱۳۰	۰/۰۰۳
شغل پدر	۳	۷۸/۹۹	۲۶/۳۳	۰/۱۶۳	۰/۹۲۱
منشأ اجتماعی	۱	۱۵۲/۵۶	۱۵۲/۵۶	۰/۹۷۸	۰/۳۲۶
درآمد خانواده	۵	۲۶۹۳/۸۰	۵۳۸/۷۶	۴/۰۶۱	۰/۰۰۲

همان‌گونه که در جدول شماره «۲» مشاهده می‌شود، از میان متغیرهای ساختاری مورد نظر در پژوهش، فقط دو متغیر ($\alpha=0/003$ و $F=5/130$) و درآمد خانواده ($\alpha=0/002$ و $F=4/061$) با میزان احساس امنیت اجتماعی در بین دانشجویان مورد مطالعه ارتباط معنادار داشتند. با توجه به نتایج به‌دست آمده می‌توان نتیجه گرفت دانشجویانی که از گروه‌های قومی متفاوت هستند، احساس امنیت اجتماعی مشابهی ندارند. همچنان‌که دختران متعلق به گروه‌های درآمدی متفاوت از نظر میزان احساس امنیت اجتماعی با یکدیگر تفاوت معنادار دارند. از بین چهار فرضیه تحقیق، فرضیه دوم تحقیق (بین اعتماد بین شخصی و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد) و فرضیه چهارم (بین متغیرهای زمینه‌ای و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد) تأیید شد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به چارچوب نظری و مدل تحلیلی تحقیق، چهار فرضیه استخراج شد که از بین این فرضیه‌ها، دو فرضیه تأیید گردید. همچنان‌که در قسمت یافته‌های تحقیق اشاره شد، احساس امنیت اجتماعی با میزان اعتماد بین شخصی پاسخگویان در رابطه بود و اعتماد بنیادین و اعتماد تعمیم یافته بر آن تأثیری نداشت. اعتماد بنیادین، که ریشه در تجربیات دوران کودکی فرد و نحوه اجتماعی شدن سال‌های اولیه زندگی فرد دارد و می‌تواند احترام به خود و عزت نفس را شکل دهد، ارتباط معناداری با متغیر وابسته تحقیق نداشت. در واقع نحوه رشد کودک و شکل‌گیری شخصیت وی و اعتمادی که

در این بین از دیگران دریافت می‌کند، با احساس امنیت اجتماعی در بزرگسالی رابطه‌ای ندارد.

همچنان که نتایج تحقیق نشان داد، تنها اعتماد بین شخصی پاسخگویان یعنی اعتماد به افراد خاص و نزدیک که به‌طور روزانه با آن‌ها در تعامل هستند، بر سطح احساس امنیت اجتماعی آن‌ها تأثیر دارد و سطح درونی و سطح کلان اعتماد یعنی اعتماد بنیادین و اعتماد تعمیم یافته (اعتماد به کسانی که ناشناخته‌اند و حالت مبهمی برای فرد دارند) در این میان تأثیرگذار نبود.

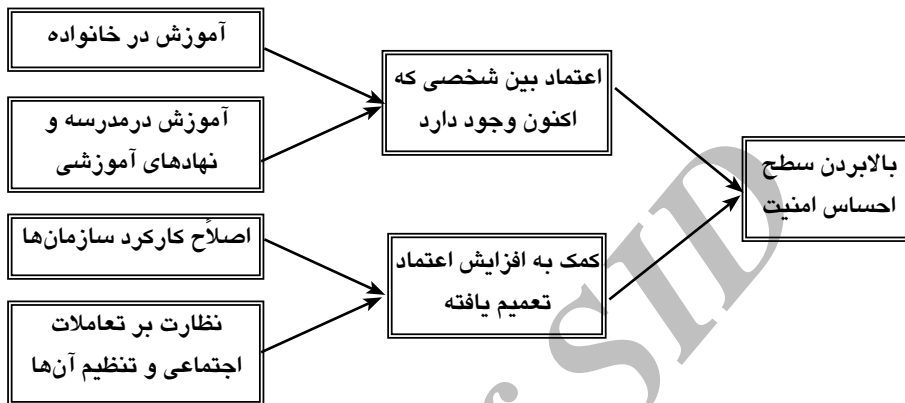
از آنجا که در جامعه پیچیده امروزی بسیاری از کارکردهای گروه‌های نخستین به سازمان‌های تخصصی همچون: دولت، نیروی انتظامی، سازمان‌های اقتصادی و ... واگذار شده است، ناگزیر برای تعامل بهتر و مؤثرتر اجتماعی باید سطح اعتماد نسبت به این سازمان‌ها و افراد ناشناخته‌ای که روزانه برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و اقتصادی‌مان با آن‌ها در تعامل قرار می‌گیریم بالا باشد تا افراد از قید اضطراب، تردید و بیم برهند. اما متأسفانه نتایج این پژوهش نشان داد که اولاً سطح اعتماد تعمیم یافته نسبتاً پایین است و ثانیاً احساس امنیت در افراد مورد مطالعه اصلاً با متغیر اعتماد تعمیم یافته ارتباطی ندارد؛ به عبارت دیگر علی‌رغم اینکه افراد به ناچار و از سر ضرورت زندگی جدید، مجبور به تعاملات گسترده با افرادی غیر از اعضای خانواده و دوستان خود هستند، اما سطح اعتمادشان نسبت به آن‌ها نسبتاً پایین است و از این نظر هم امنیت روانی آن‌ها تأمین نمی‌شود. در این شرایط، احساس امنیت اجتماعی به سطح پایینی تنزل می‌کند. علاوه بر این، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که احساس امنیت، امنیت اقتصادی و امنیت طبیعی در بین پاسخگویان بسیار پایین است. با توجه به شرایط جغرافیایی و راهبردی استقرار این شهر، تفسیر این یافته‌ها معنا می‌یابد.

پیشنهادها

۱- از آنجا که احساس امنیت در بین گروه‌های درآمدی و قومیتی متفاوت بوده و علاوه بر این میزان اعتماد بین شخصی هم بر احساس امنیت تأثیر می‌گذارد، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی با استفاده از تحلیل مسیر رابطه همزمان این سه متغیر با احساس امنیت سنجیده شود.

۲- با توجه به نتایج تحقیق، باید با استفاده از ساز و کارهای فرهنگی و اجتماعی، سطح اعتماد اجتماعی خصوصاً اعتماد تعمیم یافته را بالا برد تا با استفاده از آن، علاوه بر گسترش تعاملات اجتماعی مؤثر و حفظ نظم اجتماعی، بتوان احساس امنیت اجتماعی و روانی اعضای جامعه را بالاتر برد تا از این راه جامعه‌ای سالم‌تر و کارآمدتر داشته باشیم.

مدل پیشنهادی برای ارتقای سطح احساس امنیت



۳- اگرچه اجتماعی کردن، فرایندی همیشگی است، اما بهترین دوره‌های اجتماعی شدن فرد، دوران قبل از دبستان و دوره آموزش در مدرسه می‌باشد. بنابراین می‌توان با تأکید بر بالا بردن سطح اعتماد اجتماعی، شیوه آموزش و اجتماعی کردن خانواده و مدرسه را بهبود بخشید.

۴- بخش عمده‌ای از اعتماد اجتماعی در فرایند تعامل روزمره با سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف سیاسی، اداری و اقتصادی شکل می‌گیرد. بنابراین تلاش برای بهبود کارکرد این سازمان‌ها برای جلب اعتماد اجتماعی می‌تواند به صورت غیرمستقیم در بالا بردن سطح احساس امنیت مؤثر باشد.

۵- نظارت بر تعاملات روزمره و کنترل آن‌ها توسط نیروی انتظامی به منظور کاهش آسیب‌پذیری روابط اجتماعی، نقش مؤثری در بالا بردن سطح اعتماد اجتماعی دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود نیروی انتظامی با اجرای دقیق وظایف خود، به بالا رفتن سطح اعتماد اجتماعی و به تبع آن بالا رفتن احساس امنیت کمک کند.

کتابنامه

- قرآن مجید
- آزاد ارمکی، تقی و کمالی، افسانه (۱۳۸۳)؛ «اعتماد، اجتماع و جنسیت»؛ مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)؛ «توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران»؛ چاپ اول؛ تهران: نشر نی.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰)؛ «اعتماد و عوامل مؤثر بر آن»؛ فصلنامه اطلاع‌رسانی نمایه پژوهش، سال پنجم، شماره ۱۸، ص ۴۶.
- امیری، عبدالرضا (۱۳۸۲)؛ «نقش رسانه‌های جمعی در امنیت اجتماعی»؛ مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، شماره یک، جلد اول، تهران: معاونت اجتماعی و ارشاد نیروی انتظامی.
- بهزاد، داوود (۱۳۸۴)؛ «تحلیل نظری سرمایه اجتماعی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی»؛ مجموعه مقالات نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی؛ ناشر: وزارت رفاه.
- ترابی یوسف و گودرزی آیت (۱۳۸۲)؛ «ارزش‌ها و امنیت اجتماعی»؛ مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی؛ شماره یک، جلد اول، تهران: معاونت اجتماعی و ارشاد نیروی انتظامی.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)؛ «جامعه‌شناسی نظم»؛ چاپ اول، تهران: نشر نی.
- روزنامه فردوس کویر (۱۳۸۳)؛ شماره‌های ۲۶۵-۲۶۶ و ۲۹۸، کرمان.
- کلاهیچیان، محمود (۱۳۸۲)؛ «راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی»؛ مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی؛ شماره یک، جلد اول، تهران: معاونت اجتماعی و ارشاد نیروی انتظامی.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)؛ «بنیادهای نظریه اجتماعی»؛ تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)؛ «پیامدهای مدرنیته»؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ تهران: نشر مرکز.
- سرلکزایی، شریف (۱۳۸۵)؛ «مناسبات آزادی و امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)»؛ مجله علوم سیاسی؛ سال نهم، شماره ۳۴.
- میری آشتیانی، الهام (۱۳۸۳)؛ «بحران امنیت اجتماعی در ایران»؛ ماهنامه برداشت اول؛ سال سوم، شماره ۲۲.
- میرعرب، مهرداد (۱۳۷۹)؛ «نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت»؛ مجله علوم سیاسی؛ سال سوم، شماره نهم.